

The Model of Emotional Divorce based on Differentiation with the Mediating Role of Personality Structure and Attachment Styles

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Farangis Rashidi¹
Nader Monirpour^{2*}
Farideh Dokanehi Fard³

How to cite this article

Farangis Rashidi, Nader Monirpour, Farideh Dokanehi Fard, The Model of Emotional Divorce based on Differentiation with the Mediating Role of Personality Structure and Attachment Styles. *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health, 2021:5(2); 136-151*

1. PhD Student, Department of Counseling, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Counseling, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: monirpoor1357@yahoo.com

Article History

Received: 2021/06/05

Accepted: 2021/09/11

ePublished: 2021/09/22

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study was to present a model of emotional divorce based on differentiation with the mediating role of personality structure and attachment styles.

Materials and Methods: The research method was correlational. From all parents of students with marital conflicts who referred to counseling centers in Tehran in 1399, 350 people were selected by multi-stage random sampling. Tools used were Guttman (2008) Emotional Divorce Questionnaire, Scorne and Friedlander Differentiation, McCray and Costa NEO-ACI Personality Structure, Collins and Reed Attachment Styles (RASS). Data analysis was performed using structural equations using smartpls3.2.8 software.

Findings: The results showed that the tested model is of good quality. The direct effect of differentiation components, personality structure and attachment styles with emotional divorce was significant. Also, in the relationship between the components of differentiation and emotional divorce, personality structure and attachment styles played a mediating role.

Conclusion: Therefore, considering the significant relationship between differentiation components and the mediating role of personality structure and attachment styles with emotional divorce, therapists can discuss and treat emotional divorce in order to create cohesion and create a satisfactory marital relationship based on understanding personality structure and Improve attachment styles and increase differentiation in couples.

Keywords: Emotional Divorce, Differentiation, Personality Structure, Attachment Styles.

مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش

میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی

فرنگیس رشیدی^۱

دانشجو دکتری، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

نادر منیرپور^{۲*}

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

فریده دوکانه ای فرد^۳

دانشیار، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش انجام شده ارائه مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی بود.

مواد و روش ها: روش پژوهش از نوع همبستگی بود. از میان کلیه والدین دانش آموزان دارای تعارضات زناشویی که در سال ۱۳۹۹ به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند، ۳۵۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسشنامه های طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸)، تمایز یافتگی اسکورن و فریدلندر، ساختار شخصیت نئو (NEO-ACI) مک کری و کاستا، سبک های دلبستگی کولینز و رید (RASS) بود. تجزیه و تحلیل داده ها به روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار smartpls3.2.8 انجام گرفت.

یافته ها: یافته ها نشان داد که مدل آزمون شده از کیفیت مطلوبی برخوردار است. اثر مستقیم مولفه های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی معنادار بود. همچنین، در رابطه بین مولفه های تمایز یافتگی و طلاق عاطفی، ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی نقش میانجی داشت.

نتیجه گیری: بنابراین، با توجه به رابطه معنادار مولفه های تمایز یافتگی و نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی، درمانگران می توانند در بحث بررسی و درمان طلاق عاطفی به منظور ایجاد انسجام و خلق رابطه زناشویی رضایتبخش براساس شناخت ساختار شخصیت و اصلاح سبک های دلبستگی و افزایش تمایز یافتگی در زوجین بپردازند.

واژه های کلیدی: طلاق عاطفی، تمایز یافتگی، ساختار شخصیت، سبک های دلبستگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۰

* نویسنده مسئول: monirpoor1357@yahoo.com

مقدمه

خانواده محل برآورده ساختن نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی، روانی و شناخت چگونگی برآورده کردن آنها ضرورتی انکار ناپذیر و باعث تسهیل در امر رشد و تعالی در زندگی خانوادگی و اجتماعی و شغلی می شود (۱). روابط رضایت بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم قابل سنجش است و می تواند بر سلامت خانواده و از طرفی بر رشد و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت، اعضای خانواده تأثیر گزار می باشد در همین اساس بررسی مسائل و مشکلاتی که منجر به فروپاشی خانواده و روابط زناشویی می گردد، همواره مورد توجه روانشناسان و مشاوران قرار داشته است (۲). در رابطه با رضایت زناشویی آمار و ارقام بیانگر این است که درصد ناسازگاری های زناشویی که منجر به طلاق عاطفی می شود روبه افزایش است. طلاق عاطفی پدیده ای پنهان و ثبت نشده در زندگی بسیاری از زوج ها می باشد، که اگر چه زن و شوهر به طور رسمی از هم جدا نمی شوند. در طلاق عاطفی زوجین بدون هیچ احساس و عاطفه ای نسبت به هم و فقط به صورت هم خانه به زندگی خود ادامه می دهند. افزایش طلاق عاطفی به میزان قابل توجهی می تواند آسیب زا باشد و پیامدهای بسیار زیادی را برای طرفین و بنیان خانواده به ارمغان بیاورد پیامدها نه بعنوان یک اختلال مقطعی در زندگی زناشویی بلکه به صورت وضعیتی پایدار وارد ایجاد می شود (۳). باستانی و همکاران در پژوهشی یازده عامل طلاق عاطفی را که شامل: بی توجهی مرد، مشکلات ارتباطی، عدم تأمین نیازهای عاطفی، رفتارهای خشونت آمیز، عدم همدلی، عدم گذراندن زمان با یکدیگر، انتخاب نادرست همسر، بی اعتمادی، عدم احساس مسئولیت مرد و عدم تعادل روحی مرد را نشان دادند.

اغلب مشکلات بین فردی که زوجین تجربه می کنند تحت تاثیر شیوه تصور آنها در روابط خود با دیگری می باشد. این شیوه در برگزیده میزان تمایز یافتگی زوج ها در تعاملات خود با یکدیگر را شامل می گردد. تحول باورهای زوجین ها تحت تاثیر فرهنگ، خانواده، مذهب و عوامل مربوط به جنسیت سن یا شخصیت فرد قرار دارد. تمایز یافتگی مهمترین مفهوم نظریه سیستم های خانواده است و میزان توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلانی و احساسی را نشان می دهد، از آنجایی که تعاملات افراد در خانواده بر پایه عقل و بیشتر احساس می باشد، بنابراین این مهم می تواند در مدیریت و تعادل تعاملات عاطفی و عقلی بسیار کمک کننده باشد. تمایز یافتگی یعنی رسیدن به حدی از استقلال عاطفی که فرد بتواند در موقعیت های عاطفی و هیجانی، بدون غرق شدن در جو عاطفی آن موقعیت ها، به صورت خودمختار و عقلانی تصمیم گیری کند. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و می توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب نمایند و در موقعیت های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیر ارادی و تصمیمات نافرجام می شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم گیری کنند. زوج های تمایز یافته می توانند روابط سالمی را با یکدیگر برقرار سازند، احساسات و هیجانات خود را کنترل نمایند، هویت خود را حفظ

نمایند و به طور مستقل فکر، احساس و عمل کنند (۴). بر همین اساس تمایز یافتگی، براساس چهار عامل اصلی شکل می گیرد که شامل، واکنش پذیری هیجانی، حالتی است که در آن احساسات بر عقل و منطق غلبه دارد. در این حالت زوج هایی که دارای تعارض می باشند بیشتر براساس واکنش های عاطفی و هیجانانگشان تصمیم می گیرند و رفتار می کنند. موقعیت من به معنای داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. هم آمیختگی با دیگران یعنی ناتوانی در حفظ عقاید و اگر در حضور دیگران می باشد؛ افراد هم آمیخته، تحت تأثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش دیگران رفتار می کنند. گسلس عاطفی زمانی که تجربه های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می گیرند؛ در حالی که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند؛ افراد تمایز نیافته روی هم رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می شوند؛ در حالی که افرادی که به خوبی تمایز یافته اند قادرند خود تعریف شده شان را حفظ کنند (۵،۶). بوئن معتقد است سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می کند و به شدت تحت تأثیر پویایی ها و تعاملات بین اعضای خود قرار دارد و در زندگی آینده فرد اثر می گذارد. او معتقد است که افراد با الگوهای از سبک زندگی و سطح تمایز که در خانواده مبدأ رشد یافته وارد زندگی زناشویی می شوند. در این میان، زوجینی که تمایز یافتگی پایینی دارند، به میزان کمتری می توانند بفهمند که چه نیازهایی دارند و انتظاراتی از طرف مقابل دارند تا بتوانند رابطه مطلوبی داشته باشند که این امر نهایتاً منجر به کاهش رضایت زناشویی می شود. در بررسی های مختلف هم نتایج نشان داده است زوجینی که تمایز یافتگی بالایی دارند، به نحو بهتری می توانند بر موانع و مشکلات در طی رابطه شان غلبه کنند و در نتیجه رضایت زناشویی بالایی دارند. دارا بودن ویژگی های تمایز یافتگی در زوج های موجب استحکام روابط و افزایش رضایت زناشویی می شود. همچنین کرانیان و کاکابرابی، حسینیان و نجف لوی بیان داشتند که تمایز یافتگی با کیفیت زندگی و حس انسجام و همچنین شادکامی زوجین ارتباط مستقیم و معنادار دارد. حال باید دید به منظور ارتقاء سطح تمایز یافتگی افراد از چه روش هایی می توان کمک گرفت و چه مداخلاتی می توانند بر تمایز یافتگی افراد اثربخش باشند. در تئوری سیستم های خانواده کلید سلامت روان زوج ها بر خورداری از هر دو حس تعلق به خانواده و تمایز یافتگی نهفته است (۷). بر همین است وجود بیماری های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به ویژه مشکلات زناشویی، با سطح خود متمایز سازی رابطه دارد. بوسر و همکاران نشان داد زوج هایی که واکنش پذیری عاطفی کمتر، گریز عاطفی کمتر و هم آمیختگی محدودی با یکدیگر دارند، قادرند از عقاید خود دفاع کنند، میزان بالاتری از رضایت زناشویی را تجربه می کنند. روابط رضایت بخش بین زوجین از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از همدیگر و تفاهم همدیگر قابل سنجش است و می تواند بر سلامت خانواده و از طرفی بر رشد و شکوفایی استعدادها، تکوین شخصیت، رشد جسمانی، شناختی، عاطفی و اخلاقی اعضای خانواده تأثیر گزار می باشد (۸).

مسئله ای که در تعاملات زوجین از اهمیت بسزایی برخوردار است می توان اشاره داشت به عامل ساختار شخصیتی هر یک از زوجین که موجب سازگاری و رضایت زناشویی در روابط زوجی می شود؛ برادبوری و فین چام بر این باورند که الگوهای تعاملی زوجین متأثر از ویژگی های شخصیتی آنان است. صفات شخصیتی افراد در رابطه با وقایع در زندگی زوجین بسیار تأثیر گذار است. آیزنک، معتقد است که شخصیت انسان علاوه بر تأثیر مستقیم بر رضایتمندی از روابط زناشویی، از طریق واکنش های احساسی نسبت به وقایع زندگی می تواند تأثیر گذار باشد. بر پایه این امر رابطه زناشویی لازم است براساس محبت، همکاری، همدردی، تفاهم، گذشت، فداکاری متقابل و زندگی مشترک زن و شوهر استوار باشد. مفهوم زندگی زناشویی با توجه به حفظ نسبی استقلال شخصیت زن و شوهر و فراهم ساختن امکان رشد و تعالی بعدی و ارضای نیازمندی های مشروع و متقابل هر یک از آنها تکوین یافته است. دور شدن از این مفهوم و عدم توجه به هدف های اساسی زناشویی متناسب با شرایط و مقتضیات زندگی اجتماعی، سبب فراوانی زناشویی های سست و نابسامان و در نهایت طلاق می شود (۹). بر همین مبنا یکی از ویژگی های ازدواج های موفق و طولانی مدت وجود شناخت ساختار شخصیت هر یک از زوجین می باشد. شخصیت هر یک از زوجین، فراگیر ترین مفهوم روان شناختی است که بر تمام کارکردهای افراد در تعامل با یکدیگر تأثیر می گذارد (۱۰). ساختار شخصیتی و نوع ویژگی های شخصیت از قبیل (میزان روان نژندگرای، برون گرایی یا درون گرایی هر یک از زوجین، گشودگی، همسازی و وظیفه شناسی)، بر نوع روابط زوجین، تعاملات آنان با یکدیگر، رضایت زناشویی و ایجاد تفاهم در روابط زوجین تأثیر گزار است. بر پایه این عوامل هر کدام از زوجین با شناخت و آگاهی از ساختار های شخصیتی یکدیگر می توانند احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر را در زندگی تجربه کنند. براساس نظر روانشناسان ساختار شخصیت هر زوج نسبت به عوامل آسیب رسان و استرس زا متفاوت است، بر همین اساس روابط زوجی ناکارآمد و پر هرج و مرج در زوجین دارای اختلال شخصیت، باعث ایجاد تعارضات زناشویی می شود (۱۱). کرایتون معتقد است که ویژگی های شخصیت از جمله عواملی است که بر میزان رضایتمندی از روابط زناشویی همسران اثر گذار می باشد. از آنجایی که ساختار شخصیت عمیقاً با نحوه ادراک و تفسیر فرد از جهان و واکنش او به رویدادهای استرس زا مرتبط است، طبیعی است که برخی از ویژگی های شخصیت از ویژگی های دیگر در روابط انعطاف پذیرتر است. افرادی که دارای ویژگی های شخصیتی انعطاف ناپذیر می باشند و همچنین کسانی که نمی توانند پاسخ های خود را با تقاضای یک موقعیت خاص منطبق سازند فاقد مهارت های زندگی بوده و بدترین واکنش ها را به زندگی نشان می دهند. استرودا، دوربین، سایگال و کنا بلچ فدرزدر مطالعات خود بین شخصیت (بهنجار و ناهنجار) و رضایت زوجین رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش سلیمی هادی و همکاران نشان داد که عوامل درون فردی (ساختار شخصیت، سلامت جسمی و روانی، ویژگی های شناختی مثبت و ویژگی ها و اشتراکات معنوی- مذهبی)،

تواند تا اندازه‌ای پیش‌بینی کننده کیفیت سازگاری، نحوه تعامل، نحوه نگرش فرد به رابطه بین فردی صمیمی، رشد اجتماعی و هیجانی باشد. همچنین محققان نشان دادند که تأثیرات منفی هیجانات (خشم، نفرت، ناراحتی و ترس) در تعامل‌های زوج‌ها با خشونت و درگیری و اختلال در عملکرد جنسی مرتبط است. با توجه به این امر که زنان مهم‌ترین گروهی هستند که هویت، جایگاه، نقش و کیفیت زندگی‌شان در عبور از جریان توسعه، دچار تحول، تغییر، تلاطم شده است؛ از این رو، اغلب به تضاد و فاصله‌گیری روان‌شناختی از همسر، تنش، استرس و فشار روی می‌آورند (۱۵). با توجه به اینکه همه انسان‌ها گاهی در زندگی با چالش‌ها و مشکلاتی مواجه می‌شوند. در جریان این دشواری‌ها توجه به نیازهای یکدیگر و درک دنیای کیفی همدیگر منجر به بهبود کیفیت رابطه می‌شود و از طرفی باعث می‌شود زوج‌ها ادراک مثبت‌تر و خوشایندتری نسبت به خود، یکدیگر و رابطه زناشویی‌شان پیدا کنند. بر این اساس زوج‌ها هنگامی اقدام برای درمان می‌کنند که در رابطه‌شان یک تغییر فاحش هیجانی یا یک بحران رخ داده باشد. کارآمدی فرد در مسائل فردی و اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای توسط تجربه‌های هیجانی و نحوه مواجهه و انطباق با رویدادها تعیین می‌شود، به طور کلی توانایی‌های هیجانی رفتار و پیامدهای زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. مطالعات اخیر دانشمندان نشان می‌دهد در زندگی اجتماعی انسان میان احساس و تفکر، همبستگی بنیادی وجود دارد. عاطفه می‌تواند فرایند تفکر و محتوای فکر، قضاوت و رفتار را تحت تأثیر قرار دهد. شناخت در زمینه تأثیر ابعاد سبک‌های دل‌بستگی؛ در زندگی زناشویی می‌تواند نقش مهمی را در جهت تحکیم روابط زناشویی و در نتیجه ثبات و استواری نهاد خانواده ایفا کند (۱۶). با توجه به اینکه زوجین در مواجهه با رویداد‌های استرس‌زا، از هیجانات متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه‌ی هیجانی خود براساس نوع ساختار شخصیت‌شان بکار می‌برند، نوع برون‌ریزی احساسات می‌تواند تأثیرات بسزایی را در روابط و تعاملات زناشویی ایجاد سازند. بر همین اساس آگاهی و شناخت هیجانات و نحوه اثرگذاری هیجانات در روابط بین فردی و زناشویی در ایجاد (درک متقابل، امنیت، همدلی، تعهد، پذیرش) نقش اساسی ایفا می‌سازد (۱۷). با توجه به اهمیت نقش طلاق عاطفی در به خطر انداختن کارکرد خانواده و سلامت جامعه و نظر به این نکته که طلاق عاطفی در کشور با تغییرات چشم‌گیری روبه‌رو است، خلأ این گونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد. پژوهش صورت گرفته با هدف ارائه مدلی برای پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی انجام شده است. با مشخص کردن متغیرهای پیش‌بین طلاق عاطفی، می‌توان زمینه را برای پژوهش‌های مداخله‌ای فراهم ساخت و از طلاق عاطفی که همانند طلاق رسمی رو به افزایش است، پیشگیری نمود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از لحاظ هدف پژوهشی بنیادی و از نظر روش جزء پژوهش‌های توصیفی - همبستگی از نوع اکتشافی-متوالی و هدایت

بین‌فردی (مهارت‌های ارتباطی و رابطه سازنده، عشق و عاطفه و همچنین ارتباط و رابطه جنسی) و محیطی (حمایت اجتماعی، اشتغال- و وضعیت اقتصادی مناسب) می‌تواند سلامت رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار دهند. کوهی بیان داشتند که ساختار شخصیت، سلامت روانی و عوامل زمینه‌ای، سرخوردگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. رحیمی بردجانی و همکاران نشان دادند که می‌توان رضایت جنسی زوجین را از طریق ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد. شاکریان، فاطمی و فرهادیان؛ محمدزاده- ابراهیمی، رحیمی بردجانی، جمهری و برجعلی، نشان دادند که برون‌گرایی، توافق و باوجدان بودن با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. لی و همکاران؛ بیان داشتند که الگوهای تعاملی زناشویی، تحت تأثیر ساختار شخصیت زوجین و رویدادهای زندگی ایجاد می‌شود. بر همین اساس ساختار شخصیت هر یک از زوجین می‌تواند تبیین‌گر بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی از جمله؛ تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیری شناختی و صمیمیت زناشویی در تعاملات زوجین باشد که لزوم توجه به این عامل را نمایان می‌سازد. شواهد فراوان نشان می‌دهد که زوج‌ها در جوامع امروزی برای برقراری و مدیریت هیجانی روابط خود با همسرانشان با مشکلات فراگیر و متعددی مواجه هستند (۱۲).

بنابراین خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و ورود هر عامل تنش‌زایی بر کارکردهای آن تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی، سبک‌های دل‌بستگی زوجین می‌باشد که در شکل‌گیری رضایت زناشویی اثر قابل ملاحظه‌ای را از خود نشان می‌دهد (۱۳). زوجین به دلیل مسائلی که در زندگی زناشویی برایشان اتفاق می‌افتد و با توجه به نحوه نگرش آنها نسبت به قضا، مسائل، مشکلات و حوادثی که با آن روبرو می‌شوند، سلامت جسم و روان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و براساس نوع دیدگاه و جهت‌گیری که در زندگی خود اتخاذ نموده‌اند، باعث کاهش و یا افزایش افسردگی، اضطراب و استرس در خود می‌شوند که این عامل بر میزان سازگاری و رضایتمندی از زندگی و روابط زناشویی تأثیرگذار می‌باشد. بالی چندین سبک دل‌بستگی در نوجوانی و بزرگسالی را توضیح می‌دهد: «دل‌بستگی ایمن، اجتنابی، مضطرب- دوسوگرا». این الگوی دل‌بستگی کودک- والد، می‌تواند زمینه‌ساز نحوه برخورد فرد با مسائل آتی در زندگی، از قبیل مشکلات تحصیلی، عاطفی، شغلی، ازدواج و بسیاری دیگر از این عوامل باشد و نیز می‌تواند شیوه‌گرایش فرد را نسبت به مسائل و مشکلات شخصی سازد. بررسی‌های متعدد نشان داد که کیفیت دل‌بستگی به والدین و همسالان با سلامت روانی افراد، نحوه کنار آمدن با بحران‌های مختلف و رضایت از زندگی زناشویی و رضایت از زندگی کلی ارتباط معنی‌داری دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دل‌بستگی گذشته و حال با یکدیگر مرتبط هستند و مراحل رشد دوران کودکی به خصوص روابط اولیه فرد با والدین بر روابط زناشویی تأثیر دارد (۱۴). بطور کلی سبک‌های دل‌بستگی و عملکرد جنسی دو حوزه مهمی هستند که تحت تأثیر روابط زوجین قرار دارند و در بروز و کاهش طلاق عاطفی تأثیر می‌گذارند. در تحقیقات جانسون و ویتبورن، کمرا و کالوت، خلیل، رایان و چور نوع دل‌بستگی می

شده بود. جامعه آماری پژوهش دربرگیرنده کلیه والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۹ که تعداد آنها بالغ بر ۱۲۵۸ نفر بود. روش نمونه گیری به صورت تصادفی چندمرحله‌ای (با توجه به تجربیات پیشین محقق، شهر تهران به پنج منطقه (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم گردید و از هر منطقه تعداد پنج مرکز مشاوره به صورت تصادفی ساده انتخاب شد و از هر مرکز مشاوره تعداد ۱۵ نفر از والدین به صورت غیر تصادفی، داوطلبانه و در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شد، به طور کلی از هر منطقه ۷۵ نفر از والدین مراجعه کننده به مراکز مشاوره به عنوان نمونه انتخاب شدند، و حجم نمونه بر اساس نرم افزار آماری سمپل پاور (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی ها تعداد نمونه ۴۲۰ نفر انتخاب شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل حداقل هفت سال زندگی مشترک، محدوده سن ازدواج بین ۲۵ تا ۴۵ سال به بالا، دارای سواد کافی بمنظور پاسخدهی به پرسشنامه های مذکور، داشتن تعارضات و مشکلات زناشویی، بگونه ای که در زمان پژوهش، درمان روانشناختی ویژه ای در زمینه بهبود تعارضات زناشویی دریافت نکرده باشند و اگر نیز دریافت کرده انداز درمان های قبلی حداقل یکماه گذشته باشد، عدم سابقه بیماری عصبی، روانی و سابقه بستری در بیمارستان، معیارهای خروج داشتن بیماری های جسمانی و روانی مشهود و حاد، سو، مصرف مواد، بود.

ابزارها

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: این پرسشنامه ۲۴ سؤالی توسط گاتمن ۲۰۰۸ از کتاب موفقیت یا شکست ساخته شده است و به شیوه بله یا خیر باید به آن پاسخ داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر امتیاز می گیرد. حداقل نمره در این مقیاس صفر و حداکثر نمره ۲۴ است. هر چقدر میزان جواب های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. نقطه برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد و توصیه می شود که کورد کمک حرفه ای توسط متخصصان مربوطه قرار گیرد. برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریانس و آزمون اسکری استفاده شد. در پژوهش موسوی و رضازاده آلفای کرونباخ برای اعتبار مقیاس ۰/۹۳ ذکر شده است. در پژوهش حاضر ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود اسکورون و فریدلندر (DSI): پرسشنامه تمایز یافتگی خود توسط اسکورون و فریدلندر در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۴۵ گویه است که سؤالات مربوط به افکار و احساسات افراد درباره خودشان و ارتباط آنها با دیگران است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی با دیگران است که براساس طیف شش درجه ای لیکرتی از یک تا شش، نمره گزاری می شود. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۶ نقطه ای (ابدا در مورد من صحیح نیست، عدد ۱ تا کاملاً در مورد من صحیح است، عدد ۶) مورد سنجش قرار می گیرد. در این پرسشنامه تعداد سؤالات مورد ارزیابی در خصوص هر کدام از

زیر مقیاس های تمایز یافتگی شامل واکنش پذیری هیجانی (سؤال ۱۱) که بازتاب دهنده درجه ای است که فرد به محرک طبیعی با حساسیت بیش از حد یا با تغییر پذیری عاطفی پاسخ می دهد. جایگاه من (سؤال ۱۱) که در کنار تعریف واضح حس خود، میزان وفاداری به عقاید شخصی را در زمانی که فرد مجبور به انجام خلاف عقاید خود است، مشخص می کند. گسلس عاطفی (سؤال ۱۲) نشان دهنده احساس ترس از صمیمیت و احساس آسیب پذیری بیش از حد در ارتباط با دیگران است. ماده های مرتبط با این خرده مقیاس نشان دهنده ترس از روابط صمیمانه، رفتارهای دفاعی مانند عملکرد بیش از حد، فاصله گیری، یا انکار می باشد. هم آمیختگی با دیگران (سؤال ۱۲) که نشان دهنده درگیری در روابط بیش از حد عاطفی با دیگران است، را دربر می گیرد. در این پرسشنامه بعضی سوال ها بصورت معکوس نمره گذاری می شود. حداکثر نمره پرسشنامه ۲۷۶ می باشد و نمرات بین ۴۶ تا ۱۱۵ نشان دهنده میزان تمایز یافتگی پایین، نمرات بین ۱۱۵ تا ۱۶۱ نشان دهنده میزان تمایز یافتگی متوسط و نمره بالاتر از ۱۶۱ بیانگر میزان تمایز یافتگی بالا است. اسکورون و فریدلندر با استفاده از روش آلفای کرونباخ ضریب پایایی برای مقیاس کلی تمایز یافتگی ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۸۰ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴ گزارش دادند. همچنین ضریب آلفا در پژوهش پلک و پویکو ۰/۸۴ گزارش شده است. نجفولوی، آلفای کرونباخ برای واکنش پذیری عاطفی ۰/۸۱، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۹، جایگاه من ۰/۶۴، گریز عاطفی ۰/۷۶ و نمره کل مقیاس ۰/۷۲ گزارش نمود. سلطانضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش داشت. همچنین ثنایی، هومن و علاقمند به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه تمایز یافتگی خود، از ده نفر از صاحب نظران در این زمینه نظر خواهی شده که روایی محتوایی این ابزار مورد تأیید قرار گرفته شد. اسکیان آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و همچنین روایی محتوای پرسشنامه مطلوب گزارش شد. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه تمایز یافتگی براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس های به ترتیب واکنش پذیری هیجانی ۰/۸۳، جایگاه من ۰/۸۲، گسلس عاطفی ۰/۸۳ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۸۱ بدست آمد.

پرسشنامه ویژگی های شخصیتی نئو (NEO-AC): فرم بلند پرسشنامه ویژگی های شخصیتی توسط مک کری و کاستا ساخته شده است و دارای ۲۴۰ سوال می باشد این پرسشنامه ۵ جنبه اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی ۳۰ خصوصیت را اندازه می گیرد. پنج جنبه اصلی شخصیت در برگیرنده (نورز گرابی (N)، برون گرابی و درون گرابی (E)، تجربه پذیری و یا گشودگی به تجربیات جدید (O)، توافق پذیری یا همسازی (A) و وظیفه شناسی (C) می باشد که براساس طیف لیکرت نمره گزاری و محاسبه می شود. بگونه ای که به گزینه (کاملاً قبول دارم) ۴، قبول دارم ۳، بدون نظر ۲، رد ۱ و کاملاً رد ۰ نمره تعلق می گیرد. در این پرسشنامه برخی از سؤالات به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. در این پرسشنامه نمره کلی به دست نمی آید، بلکه ۵ نمره در خصوص هر کدام از عوامل شخصیت به دست می آید که نمرات

رید گزارش دادند که نمره‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و اضطراب در فاصله زمانی ۸ ماه و حتی در طول ۲ ماه پایدار مانده‌اند و میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در نمونه‌ای از دانشجویان برای دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ بدست آمده است. هزن و شیور رویی صوری و محتوایی را خوب گزارش نمودند و رویی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش نمودند. پایایی پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در پژوهش هاشمی و همکاران برای هر یک از ابعاد دل‌بستگی ایمن، دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی به ترتیب برابر با ۰/۶۸، ۰/۷۰ و ۰/۷۸ گزارش گردیده است. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه سبک دل‌بستگی براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌های به ترتیب ایمن/ نزدیک ۰/۷۹، سبک دوسوگرا/وابستگی ۰/۸۴، نایمن/اضطرابی ۰/۸۳، بدست آمد.

شیوه اجرای پژوهش

با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه یا جمعیت هدف شامل کلیه والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران بود. که بنابر خوداظهاری والدین در زندگی زناشویی خود دارای تنش‌ها و تعارضات زناشویی بوده‌اند. با توجه به اینکه پژوهش از نوع همبستگی و همخوانی است، نمونه گیری در این پژوهش با توجه به اهداف پژوهش بصورت هدفمند و طبق اصول صحیح و علمی و بر اساس نرم افزار *sample power* (۳۵۰ نفر) و با توجه به احتمال ۲۰ درصد افت آزمودنی‌ها تعداد نمونه ۴۲۰ نفر از میان والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی در نظر گرفته شد. گزینش والدین، براساس ارزیابی شرکت کنندگان براساس میزان تعارضات در روابط و تعاملات زناشویی، صورت پذیرفت. شاخص‌های حضور شرکت کنندگان در پژوهش سلامت روان شناختی، مدت تاهل حداقل ۷ سال، زندگی در یک خانه مشترک بود. برای دستیابی به نمونه‌های پژوهش ابتدا با مراجعه به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران پیرامون هدف از انجام تحقیق و فرآیند انجام تحقیق و مجوزهای کسب شده گفتگویی صورت پذیرفت و سپس با کسب رضایتمندی از مدیریت مراکز راهنمایی و مشاوره، این امکان فراهم گردید که در خصوص اجرای پرسشنامه‌ها با والدین دانش آموزانی که به مراکز مشاوره مراجعه داشتند مصاحبه اولیه ای انجام شد و سپس افرادی که شرایط و ملاک‌های لازم برای ورود به پژوهش و نیز تمایل به شرکت در انجام پژوهش را داشتند، با کسب رضایتمندی و بیان حفظ محرمانه بودن اطلاعات از افراد خواسته شد که در روز و زمان و ساعت مشخص شده توسط مراکز مشاوره و راهنمایی بمنظور رعایت پروتکل‌های بهداشتی بدلیل شرایط اپیدمی کرونا والدین در مراکز مشاوره حضور پیدا کنند و با دقت به سؤالات پرسشنامه‌های مذکور پاسخ دهند. با توجه به اینکه احتمال افت آزمودنی‌ها به علت عدم همکاری با توجه به شرایط اپیدمی کرونا و یا مشغله کاری برخی از افراد پیش بینی می‌شد،

بدست آمده نشان دهنده یک عامل شخصیت می‌باشد. پرسشنامه شخصیتی NEO-AC توسط مک کری و کاستا در یک پژوهش طولی ۷ ساله، ضرایب پایایی ۰/۵۱ تا ۰/۸۲ برای هجده زیرمقیاس ابعاد نوروزگرایی، برون‌گرایی، تجربه‌پذیری، بدست آمد و برای دو مقیاس توافق و وظیفه‌شناسی و ۱۲ زیرمقیاس آن ضرایب پایایی ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ هم در گزارش‌های شخصی فرم S و هم در گزارش‌های زوج‌ها فرم R به دست آمد. فرم ۵ عاملی این پرسشنامه بر روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان به فاصله سه ماه توسط گروهی اجرا گردید و ضریب پایایی ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۷۹ به ترتیب برای عوامل *C, A, O, E, N* به دست داده است. حق‌شناس نشان داده است که مقیاس‌های تست NEUPI-R دارای پایایی درونی قابل قبولی از نظر آماری در ایران است و ضرایب پایایی ابعاد اصلی آزمون بین ۰/۵۳ تا ۰/۸۷ گزارش داشت. رویی ملاکی این پرسش‌نامه نیز از طریق محاسبه همبستگی بین دو فرم S برای گزارش شخصی و فرم R برای گزارش مشاهده‌گر در روابط همسران محاسبه شد، که در بین عوامل اصلی، حداکثر همبستگی به میزان ۰/۶۶ در عامل برون‌گرایی و حداقل آن به میزان ۰/۴۵ در عامل همسازی و در بین وجوه عوامل اصلی، حداکثر همبستگی به میزان ۰/۷۰ در وجه اعتماد کردن و حداقل آن به میزان ۰/۲۹ در وجه تجربه‌پذیری در احساس‌ها و دل‌رحم بودن و میزان این همبستگی‌ها بین ۰/۲۹ تا ۰/۷۰ گزارش شده است که رویی بالای این مقیاس را نشان می‌دهد. کیامهر پرسش‌نامه پنج‌عاملی نئو را بر روی نمونه‌ای با حجم ۳۸۰ نفر از دانشجویان اعتباریابی کرد که این میزان بین ۰/۶۵ و ۰/۸۶ به دست آمد همچنین بمنظور تعیین رویی پرسشنامه از رویی همزمان و تحلیل عاملی استفاده شد. ضریب همبستگی حاصل از رویی همزمان بین فرم کوتاه و بلند پرسشنامه بین ۰/۴۱ و ۰/۷۵ به دست آمد. آزمون کفایت نمونه‌گیری (KMO) و آزمون بارتلت برای عامل‌های پرسشنامه معنادار به دست آمد. در این پژوهش میزان اعتبار پرسشنامه ساختار شخصیت براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و در خصوص هر یک از خرده مقیاس‌های به ترتیب روان‌نژندی ۰/۸۳، برون‌گرایی ۰/۸۲، تجربه‌پذیری ۰/۸۱، توافق‌پذیری ۰/۸۲ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۹ بدست آمد.

پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی کولینز و رید (RASS): این پرسشنامه ۱۸ عبارتی بر اساس مبانی نظری دل‌بستگی توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه شد. این مقیاس چگونگی مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه آزمودنی را در طیف لیکرت ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری در این پرسشنامه بگونه‌ای انجام می‌شود که به هر سؤال نمره‌ای بر اساس کاملاً مخالفم=۱ و کاملاً موافقم=۵ تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای سه زیرمقیاس دل‌بستگی ایمن، اجتنابی/نایمن و دوسوگرا/اضطرابی است. زیرمقیاس ایمن شامل سؤال‌های ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۱۷؛ مقیاس اجتنابی/نایمن شامل سؤال‌های ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۸؛ و مقیاس دوسوگرا/اضطرابی شامل سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است. عبارت ۲-۳-۴-۹-۱۰-۱۶-۱۷، نمره‌گذاری به صورت معکوس انجام می‌شود. آزمودنی بر اساس نمره‌های به دست آمده در یکی از انواع سبک‌های دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا/اضطرابی و اجتنابی/نایمن جای می‌گیرد. کولینز و

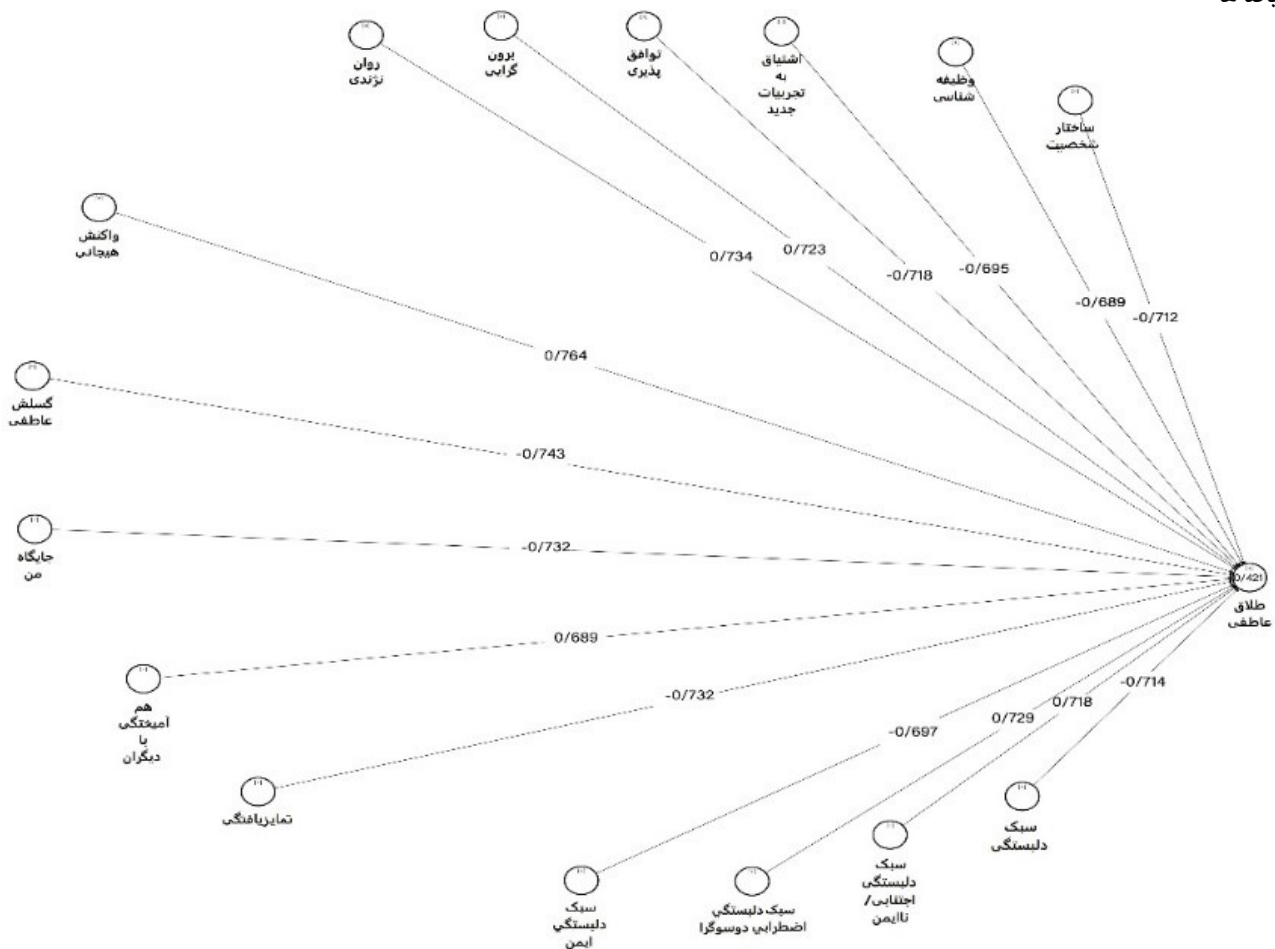
براساس ویژگی جمعیت شناختی یافته های حاصله نشان داد که: افراد مورد مطالعه بر اساس ویژگی جمعیت شناختی از لحاظ دامنه سنی (۴۶/۲۸ درصد) بین ۳۶ تا ۴۰ سال و از لحاظ تعداد فرزند (۴۶ درصد) دارای دو فرزند و از لحاظ میزان تحصیلات (۷/۱۴) درصد دارای مدرک دیپلم و (۱۷/۱۴) درصد دارای مدرک کاردانی و (۴۶/۸۵) درصد دارای مدرک کارشناسی و (۲۸/۸۵) درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و از لحاظ مدت تأهل (۳۰ درصد) بین ۱۱ تا ۱۵ سال و از لحاظ شغل (۴۷/۷۱) درصد خانه دار بودند.

فرضیه پژوهش:

مدل ساختاری طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی از برازش مطلوبی برخوردار است.

بمنظور اینکه حجم نمونه ی مورد نظر با حجم نمونه واقعی تفاوت چندانی نداشته باشد، تعداد حجم نمونه بیش از حد مورد انتظار در نظر گرفته شدو در نهایت تعداد ۳۵۰ پرسشنامه کامل در محیط نرم افزار spss و نرم افزار مدل یابی smart pls مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به پیچیدگی الگوی پژوهش از روش های واریانس محور الگوسازی معادلات ساختاری به منظور الگویایی معادلات ساختاری در دو بخش الگوی اندازه گیری و الگوی ساختاری استفاده شده است. در روش واریانس محور که نسل دوم معادلات ساختاری است. مطابق با نظر هیر (۲۰۱۰) و هنسلر (۲۰۰۹) ابتدا آزمون همگن بودن سوالات یک متغیر اجرا گردید و بر اساس آن بقیه آزمون بر روی الگوی ساختاری اجرا شد.

یافته ها



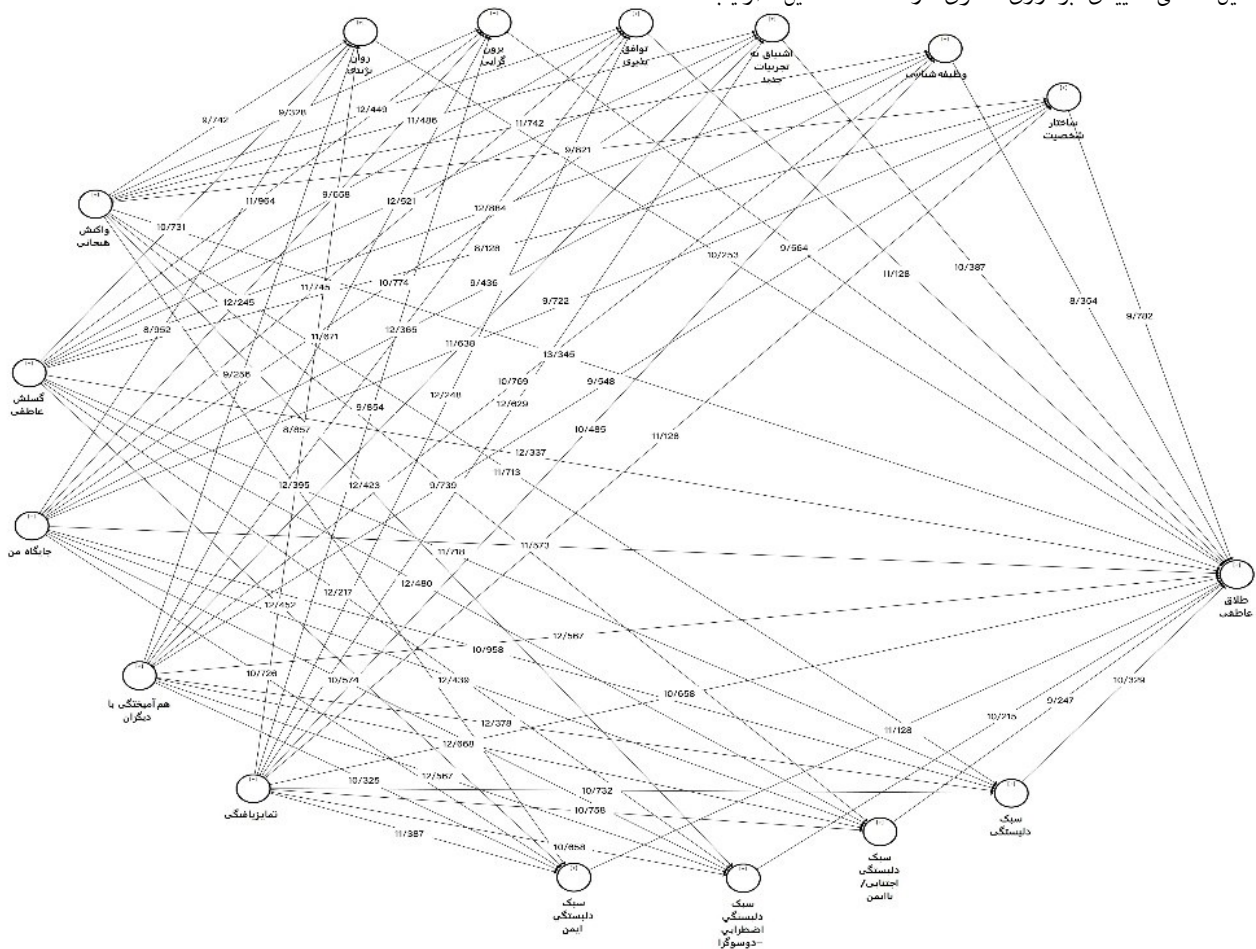
شکل ۱: مدل اندازه گیری در حالت تخمین ضرایب استاندارد بدون حضور میانجی

بدون حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ بوده است.

نتایج شکل ۱ نشان می دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب استاندارد

استاندارد با حضور میانجی انجام گرفت که نتایج نشان داد که بار عاملی هر سؤال حداقل بالای ۰/۷ باشد.

حالت در حالت تخمین ضرایب استاندارد با حضور میانجی همچنین نتایج شکل ۳ نشان می دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی بر روی الگوی در حالت تخمین ضرایب



شکل ۴: مدل ساختاری در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی

است و یا مقدار آماره تی که خارج از بازه $-1/96$ و $1/96$ است فرض صفر رد و فرضیه های پژوهش تأیید می شود.

همچنین نتایج شکل ۴ نشان می دهد که آزمون همگن بودن در قالب تحلیل عاملی تأییدی در حالت معناداری ضرایب با حضور میانجی نتایج نشان داد با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱

جدول ۱: نتایج آزمون پایایی الگوی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه های تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی ($n=350$)

پایایی اشتراکی > پایایی ترکیبی	پایایی اشتراکی	پایایی ترکیبی دلزین گلدشتاین	همبستگی اسپیرمن	آلفای کرونباخ	
$0.757 > 0.825$	۰/۷۵۷	۰/۸۲۵	۰/۸۲۹	۰/۸۳۶	واکنش هیجانی
$0.765 > 0.798$	۰/۷۶۵	۰/۷۹۸	۰/۸۱۶	۰/۸۲۲	جایگاه من
$0.749 > 0.821$	۰/۷۴۹	۰/۸۲۱	۰/۸۲۱	۰/۸۳۱	گسلش عاطفی
$0.743 > 0.786$	۰/۷۴۳	۰/۷۸۶	۰/۸۰۷	۰/۸۱۱	هم آمیختگی با دیگران
$0.753 > 0.807$	۰/۷۵۳	۰/۸۰۷	۰/۸۱۸	۰/۸۲۵	تمایز یافتگی
$0.798 > 0.857$	۰/۷۹۸	۰/۸۵۷	۰/۸۱۳	۰/۸۳۲	روان زندگی
$0.774 > 0.842$	۰/۷۷۴	۰/۸۴۲	۰/۸۰۸	۰/۸۲۷	برون گرایی
$0.734 > 0.826$	۰/۷۳۶	۰/۸۲۶	۰/۷۸۳	۰/۸۱۱	تجربه پذیری
$0.762 > 0.831$	۰/۷۶۲	۰/۸۳۱	۰/۷۹۶	۰/۸۲۲	توافق پذیری
$0.725 > 0.814$	۰/۷۲۵	۰/۸۱۴	۰/۷۷۸	۰/۷۹۸	وظیفه شناسی

۷۵۹۰/ > ۸۳۴۰/	۰/۷۵۹	۰/۸۳۴	۰/۷۹۶	۰/۸۱۸	ساختار شخصیت
۰/۷۱۶ > ۰/۸۱۲	۰/۷۱۶	۰/۸۱۲	۰/۸۲۷	۰/۷۹۲	سبک ایمن
۰/۷۳۹ > ۰/۸۵۴	۰/۷۳۹	۰/۸۵۴	۰/۸۶۹	۰/۸۴۵	سبک دوسوگرا/ اضطرابی
۰/۷۲۴ > ۰/۸۲۹	۰/۷۲۴	۰/۸۲۹	۰/۸۵۴	۰/۸۳۶	سبک اجتنابی/ناایمن
۰/۷۲۶ > ۰/۸۳۱	۰/۷۲۶	۰/۸۳۱	۰/۸۵۱	۰/۸۲۴	سبک دل‌بستگی
۰/۷۲۴ > ۰/۸۲۶	۰/۷۲۴	۰/۸۲۶	۰/۸۱۳	۰/۷۸۲	طلاق عاطفی

تعمیم است. بمنظور بررسی روایی سازه مدل انعکاسی روایی همگرا و روایی واگرا از دو آزمون میانگین واریانس استخراجی و مقایسه آزمون پایایی ترکیبی CR با میانگین واریانس استخراجی که در برگرفته همان پایایی اشتراکی AVE می باشد، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج نشان داده است که کلیه متغیرها دارای CR بزرگتر از AVE می باشد، بنابراین هر دو شرط روایی همگرا بر قرار است و می توان ادعا نمود مدل دارای همگرایی می باشد و نیز کلیه شاخص های AVE بالاتر از ۰/۵ است بنابراین شرط اول روایی همگرا بودن نیز برقرار است. همچنین بر اساس سه آزمون بارهای عرضی، فورنر لارکر و HTMT روایی واگرا در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است و با تأیید روایی همگرا می توان ادعا کرد که الگوی تدوین شده از روایی سازه برخوردار است.

آزمون های پایایی مدل اندازه گیری بر اساس نتایج جدول ۱ نشان می دهد: پایایی مدل بر اساس ضریب آلفای کرونباخ در هر یک از متغیرها بالای ۰/۷ است. بنابراین پایایی توسط آلفای کرونباخ تأیید می شود. همچنین نتایج آزمون پایایی ترکیبی (دلون گلدشتاین) و شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که CR و rho_a هر یک از متغیرها نیز بالای ۰/۷ می باشد. از طرفی آزمون پایایی اشتراکی که در برگرفته این مفهوم است که هر سوال در حقیقت شاخص اشتراکی یا سهمی است که آن سوال از متغیر خود سنجش می کند. مطابق با عرف علمی، میانگین این شاخص در خصوص متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۵ می باشد. بنابراین بر اساس چهار آزمون پایایی، مدل مورد تأیید قرار می گیرد و می توان ادعا نمود که نتایج پژوهش به نمونه های دیگری از همان جامعه قابل

جدول ۲. کیفیت مدل اندازه گیری شاخص اشتراکی روایی CVCOM

واکنش هیجانی	جایگاه من	گسلش عاطفی	هم آمیختگی با...	تمایز یافتگی	روان نژندی	برون گرایی	تجربه پذیری	توافق پذیری	وظیفه شناسی	ساختار شخصیت	سبک ایمن	سبک اضطرابی	سبک اجتنابی	سبک دل‌بستگی	طلاق عاطفی
۰/۳۴۲	۰/۳۲۹	۰/۳۳۶	۰/۳۱۱	۰/۳۲۹	۰/۳۳۷	۰/۳۲۳	۰/۲۹۶	۰/۳۱۸	۰/۲۷۵	۰/۳۱۰	۰/۲۷۱	۰/۳۴۵	۰/۳۳۲	۰/۳۱۶	۰/۳۲۱

بالاتر از ۰/۱۵ می باشد که نشان می دهد الگوی اندازه گیری از کیفیت بالایی برخوردار است.

با توجه به اینکه کیفیت جایگزین برازش در معادلات ساختاری کوواریانس محور، شاخص اشتراکی روایی متقاطع است که نتایج بدست آمده نشان داده است مقادیر الگو شاخص کیفیت اندازه گیری

جدول ۳. معناداری فرضیات و شدت و جهت تأثیر آن‌ها بر اساس مسیر مستقیم و غیرمستقیم

نتیجه	ضرایب استاندارد	ضرایب معناداری	مسیر مستقیم و غیر مستقیم
معنادار	۰/۷۶۴	۱۳/۳۴۵	واکنش هیجانی -> طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۳۲	۱۱/۵۷۳	جایگاه من -> طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۴۳	۱۲/۳۳۷	گسلش عاطفی -> طلاق عاطفی
معنادار	۰/۶۸۹	۱۲/۵۶۷	هم آمیختگی با دیگران -> طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۳۲	۱۰/۶۵۸	تمایز یافتگی -> طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۴۸	۹/۷۴۲	واکنش هیجانی -> روان نژندی
معنادار	-۰/۶۲۳	۸/۹۵۲	جایگاه من -> روان نژندی
معنادار	-۰/۷۳۹	۱۰/۷۳۱	گسلش عاطفی -> روان نژندی

معنادار	۰/۶۱۲	۹/۲۵۶	هم آمیختگی با دیگران- <روان نژندی
معنادار	-۰/۶۸۰	۸/۸۵۷	تمایز یافتگی- <روان نژندی
معنادار	۰/۷۵۱	۹/۳۲۸	واکنش هیجانی- <برون گرایی
معنادار	۰/۷۴۴	۱۲/۲۴۵	جایگاه من- <برون گرایی
معنادار	۰/۷۲۹	۱۱/۹۶۴	گسلش عاطفی- <برون گرایی
معنادار	۰/۷۲۳	۱۱/۶۷۱	هم آمیختگی با دیگران- <برون گرایی
معنادار	۰/۷۳۷	۹/۸۵۴	تمایز یافتگی- <برون گرایی
معنادار	-۰/۶۹۳	۱۱/۴۸۶	واکنش هیجانی- <تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۳۸	۱۰/۷۷۴	جایگاه من- <تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۱۹	۱۲/۵۲۱	گسلش عاطفی- <تجربه پذیری
معنادار	-۰/۶۸۵	۱۱/۶۳۸	هم آمیختگی با دیگران- <تجربه پذیری
معنادار	۰/۷۰۹	۱۲/۶۲۹	تمایز یافتگی- <تجربه پذیری
معنادار	-۰/۷۵۲	۱۲/۴۴۹	واکنش هیجانی- <توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۳۸	۱۱/۷۴۵	جایگاه من- <توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۴۹	۹/۶۵۸	گسلش عاطفی- <توافق پذیری
معنادار	۰/۷۲۶	۱۲/۳۶۵	هم آمیختگی با دیگران- <توافق پذیری
معنادار	-۰/۷۴۱	۱۲/۲۴۸	تمایز یافتگی- <توافق پذیری
معنادار	۰/۷۲۳	۱۱/۷۴۲	واکنش هیجانی- <وظیفه شناسی
معنادار	۰/۷۶۱	۹/۴۳۶	جایگاه من- <وظیفه شناسی
معنادار	-۰/۷۳۴	۱۲/۸۸۴	گسلش عاطفی- <وظیفه شناسی
معنادار	۰/۶۷۲	۱۰/۷۶۹	هم آمیختگی با دیگران- <وظیفه شناسی
معنادار	-۰/۷۲۲	۱۰/۴۸۵	تمایز یافتگی- <وظیفه شناسی
معنادار	۰/۷۷۶	۹/۸۲۱	واکنش هیجانی- <ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶۹	۹/۷۲۲	جایگاه من- <ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۵۲	۸/۱۲۸	گسلش عاطفی- <ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶۳	۹/۵۴۸	هم آمیختگی با دیگران- <ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۶۵	۱۱/۱۲۸	تمایز یافتگی- <ساختار شخصیت
معنادار	۰/۷۳۴	۱۰/۲۵۲	روان نژندی- <طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۲۳	۹/۵۶۴	برون گرایی- <طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۶۹۵	۱۰/۳۸۷	تجربه پذیری- <طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۱۸	۱۱/۱۲۸	توافق پذیری- <طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۶۸۹	۸/۳۵۴	وظیفه شناسی- <طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۱۲	۹/۷۸۲	ساختار شخصیت- <طلاق عاطفی
معنادار	-۰/۷۲۸	۱۲/۳۹۵	واکنش هیجانی- <سبک ایمن
معنادار	۰/۷۴۳	۱۰/۷۲۶	جایگاه من- <سبک ایمن
معنادار	۰/۷۳۶	۱۲/۴۵۲	گسلش عاطفی- <سبک ایمن
معنادار	-۰/۷۱۱	۱۰/۳۲۵	هم آمیختگی با دیگران- <سبک ایمن
معنادار	۰/۷۲۹	۱۱/۳۸۷	تمایز یافتگی- <سبک ایمن
معنادار	۰/۷۴۴	۱۲/۴۲۳	واکنش هیجانی- <سبک دوسوگرا/ اضطرابی
معنادار	-۰/۷۱۶	۱۰/۵۷۴	جایگاه من- <سبک دوسوگرا/ اضطرابی
معنادار	-۰/۷۳۹	۱۲/۲۱۷	گسلش عاطفی- <سبک دوسوگرا/ اضطرابی
معنادار	۰/۷۲۵	۱۲/۵۶۷	هم آمیختگی با دیگران- <سبک دوسوگرا/ اضطرابی
معنادار	-۰/۷۳۱	۱۰/۶۵۸	تمایز یافتگی- <سبک دوسوگرا/ اضطرابی
معنادار	۰/۷۲۴	۹/۷۳۹	واکنش هیجانی- <سبک اجتنابی/ناایمن

معنادار	۰/۶۷۸-	۱۲/۴۳۹	جایگاه من- سبک اجتنابی/ناایمن
معنادار	۰/۶۹۳-	۱۲/۴۸۰	گسلش عاطفی- سبک اجتنابی/ناایمن
معنادار	۰/۷۱۲-	۱۲/۶۶۸	هم آمیختگی با دیگران- سبک اجتنابی/ناایمن
معنادار	۰/۷۰۱-	۱۰/۷۵۸	تمایز یافتگی- سبک اجتنابی/ناایمن
معنادار	۰/۷۳۷	۱۱/۷۱۳	واکنش هیجانی- سبک دل‌بستگی
معنادار	۰/۷۱۳	۱۰/۹۵۸	جایگاه من- سبک دل‌بستگی
معنادار	۰/۷۲۱	۱۱/۷۱۸	گسلش عاطفی- سبک دل‌بستگی
معنادار	۰/۶۹۴	۱۲/۳۷۸	هم آمیختگی با دیگران- سبک دل‌بستگی
معنادار	۰/۷۱۶	۱۰/۷۳۲	تمایز یافتگی- سبک دل‌بستگی
معنادار	۰/۶۹۷-	۱۱/۱۲۸	سبک ایمن- سبک طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۲۹	۱۰/۲۱۵	سبک دوسوگرا/اضطرابی- سبک طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۱۸	۹/۲۴۷	سبک اجتنابی/ناایمن- سبک طلاق عاطفی
معنادار	۰/۷۱۴-	۱۰/۳۲۹	سبک دل‌بستگی- سبک طلاق عاطفی

هیجانی (۰/۳۸۶)، جایگاه من (۰/۴۱۲)، گسلش عاطفی (۰/۴۰۲)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۰۸)، مولفه (توافق پذیری) برای تمایز یافتگی (۰/۴۲۰) و هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۱۴)، جایگاه من (۰/۴۱۹)، گسلش عاطفی (۰/۴۲۰)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۰)) و مولفه (وظیفه شناسی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۴) و هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش- هیجانی (۰/۳۹۴)، جایگاه من (۰/۴۱۷)، گسلش عاطفی (۰/۴۰۵)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۰۲)) با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد.

همچنین به منظور بررسی مسیر غیرمستقیم رابطه در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مولفه‌های تمایز یافتگی با میانجی‌گری سبک های دل‌بستگی نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی و مولفه های آن با میانجی‌گری سبک های دل‌بستگی با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. نتایج شمول واریانس تمایز یافتگی (۰/۴۱۱) و مولفه های آن (واکنش هیجانی (۰/۴۰۷)، جایگاه من (۰/۴۱۰)، گسلش عاطفی (۰/۴۰۹)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۱۸)) نشان داده است که سبک های دل‌بستگی برای دو متغیر تمایز یافتگی و مولفه های آن با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد. همچنین با توجه به نتایج ضرایب معناداری مسیر بدست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیر مستقیم بین هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی، جایگاه من، گسلش عاطفی، هم- آمیختگی با دیگران) و میانجی‌گری هر یک از مولفه های سبک های دل‌بستگی (سبک ایمن، سبک اضطرابی/دوسوگرا، سبک ناایمن/اجتنابی) با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار می‌باشد. نتایج شمول واریانس نشان داده است که سبک دل‌بستگی (ایمن) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۹) و برای هر یک از مولفه‌های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۳۹۹)، جایگاه من (۰/۴۱۴)، گسلش- عاطفی (۰/۴۰۸)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۱۸))، همچنین سبک دل‌بستگی (اضطرابی/دوسوگرا) برای تمایز یافتگی (۰/۴۲۱) و هر یک

نتایج جدول ۳ در خصوص بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه آیا بر اساس مولفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک های دل‌بستگی می‌توان طلاق عاطفی را پیش‌بینی کرد؟ بررسی معناداری مسیرهای مستقیم نتایج نشان داده است که مسیر مستقیم مولفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک های دل‌بستگی با طلاق عاطفی با توجه به مقدار سطح معناداری که کمتر از ۰/۰۱ است و نیز مقدار ضرایب معناداری آماره t که خارج از بازه $-۲/۵۸$ و $۲/۵۸$ است در سطح اطمینان ۰/۹۹ فرض صفر را رد و فرض پژوهش را که خبر از وجود رابطه معنادار مولفه‌های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک های دل‌بستگی با طلاق عاطفی را تأیید می‌کند. بر همین اساس می‌توان بیان داشت که فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد. همچنین به منظور بررسی مسیر غیرمستقیم رابطه در خصوص پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مولفه‌های تمایز یافتگی با میانجی‌گری ساختار شخصیت و سبک های دل‌بستگی نتایج ضرایب معناداری به دست آمده نشان می‌دهد که مسیر غیرمستقیم بین تمایز یافتگی و مولفه های آن با میانجی‌گری ساختار شخصیت با طلاق عاطفی با توجه به مقدار ضرایب معناداری آماره t در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. نتایج شمول واریانس تمایز یافتگی (۰/۴۲۶) و مولفه های آن (واکنش هیجانی (۰/۴۱۹)، جایگاه من (۰/۴۲۷)، گسلش عاطفی (۰/۴۱۸)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۴۱)) نشان داده است که ساختار شخصیت برای دو متغیر تمایز یافتگی و مولفه های آن با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد. نتایج شمول واریانس مولفه ساختار شخصیت (روان نژندی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۸) و هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۲۱)، جایگاه من (۰/۳۸۷)، گسلش عاطفی (۰/۴۲۵)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۳۹۷)) و مولفه (برون‌گرایی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۲۱) و هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۱۵)، جایگاه من (۰/۴۲۳)، گسلش عاطفی (۰/۴۱۴)، هم- آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۱))، مولفه (تجربه پذیری) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۲) و هر یک از مولفه‌های تمایز یافتگی (واکنش-

همسران با خانواده اصلی شان، چالش بزرگی برای ازدواج آنها محسوب نمی شود و با وجود آنکه در حال حاضر اغلب همسران پس از ازدواج منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می کنند اما پیوندی قوی با خانواده اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند. لذا در هر جامعه ای شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل فرهنگی مردمان آن جامعه نیز تأثیر می گیرد. بطوری که افراد در بافت های فرهنگی مختلف اولویت ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که شیوه تحقق آنها می تواند کیفیت رابطه زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در تبیین این پژوهش می توان بیان داشت که وجود تمایز یافتگی در افراد می تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند و برعکس افرادی که تمایز نیافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل به جای تصمیمات منطقی و عقلانی شدیداً احساسی شوند و با استرس و اضطراب خود مشکلات را تشدید می کنند. هرچند بعضی از مشکلات در زندگی زناشویی باعث نمی شود که زوجین طلاق بگیرند ولی به تدریج باعث طلاق عاطفی زوجین خواهد شد که می تواند ریشه در تمایز نیافتگی خود در زوجین باشد. طلاق عاطفی می تواند زندگی را برای افراد سخت و دشوار کند و بروز مشکلات متعدد دیگری شود. در نتیجه میتوان در نظر داشت که با آموزش و افزایش تمایز یافتگی خود و دانستن راه حل مشکلات به صورت منطقی می توان طلاق عاطفی را در زندگی زناشویی کاهش داد و از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کرد. براساس نظریه بوئن تمایز خود، جدایی هیجانی، شناختی و استقلال خود از دیگران را شامل شده و افراد در جریان تفرد درک هویت خویش را کسب می کنند. لذا این تمایز از خانواده اصلی، آنها را قادر می سازد تا مسئولیت افکار، احساسات، ادراک ها و اعمال خود را بپذیرند. به بیانی دیگر فرد تمایز یافته در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی برخورد منطقی عقلانی را داشته و می تواند از برخورد با مسائل به صورت احساسی جلوگیری کند. بنابراین این گروه از افراد توانایی حل مسائل را به صورت مسالمت آمیز دارا می باشند. در نقطه مقابل افرادی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند، اضطراب بالاتر و آمیختگی بیشتری بین عقل و احساساتشان داشته و در روابط با دیگران دچار تنش های عاطفی می شوند. لذا با توجه به نظریه بوئن می توان بیان داشت زوج هایی که سطح تمایز یافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی توانایی تصمیم گیری عقلانی کمتری داشته و از طرفی این زوج ها به دلیل وابستگی به سیستم خانواده اصلی و تداخل میان دو سیستم دچار مشکلاتی می شوند که این خود باعث افزایش درگیری ها و مشکلات و در نهایت افزایش طلاق عاطفی می گردد (۱۸). بر همین اساس آنچه که در روابط همسران ضرورت دارد توانایی به دست آوردن کنترل عاطفی و در عین حال، ماندن در جو عاطفی خانواده می باشد (۱۹).

با توجه به اهمیت رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده بر پایه ساختار شخصیت هر یک از زوجین در سلامت خانواده و فرد و ضرورت مطالعه عوامل مرتبط با آن، در ایجاد آرامش یا بروز هیجان ها و آشفتگی های روانی در رضایت زناشویی تاثیرگذار است. ویژگی های شخصیتی و سلامت روانی به عنوان سازهایی

از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۱۵)، جایگاه من (۰/۴۱۶)، گسلس عاطفی (۰/۴۲۰)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۳۴)) و نیز مولفه سبک دلبستگی (ناایمن/اجتنابی) برای تمایز یافتگی (۰/۴۰۷) برای هر یک از مولفه های تمایز یافتگی (واکنش هیجانی (۰/۴۰۵)، جایگاه من (۰/۳۹۹)، گسلس عاطفی (۰/۴۰۱)، هم آمیختگی با دیگران (۰/۴۲۵)) با طلاق عاطفی نقش میانجی گری جزئی دارد. بر همین اساس نتایج به دست آمده نشان داده که الگوی اندازه گیری با الگوی ساختاری هر دو از کیفیت نسبتاً مناسب و بالایی برخوردار است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی در والدین دانش آموزان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیاء و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران انجام شد. برآیند پژوهش نشان داد: استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری برای ارزیابی چگونگی برآزش مدل ساختاری با داده های گردآوری شده در آزمون فرضیه اصلی پژوهش (ارائه مدلی برای پیش بینی طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با نقش میانجی ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی) با مدل نظری مطابقت دارد. بدین ترتیب فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید گردید. بر پایه یافته های حاصله چنین نتیجه گیری می شود که مدل ساختاری پژوهش با داده های گردآوری شده برآزش دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد: بین مولفه های تمایز یافتگی، ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد و مولفه های تمایز یافتگی با میانجیگری ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی با طلاق عاطفی شدت اثر مطلوبی داشته است. نتایج یافته های بدست آمده هم راستای پژوهش های خسروی و همکاران؛ رضایی و رضایی؛ مام صالحی؛ رضوانی و صائمی؛ خجسته مهر، زمانی و همکاران، نوروززاده و همکاران؛ تقی نژاد و همکاران؛ حجت خواه؛ رشیدی و همکاران، سلمانیان و همکاران بود. با توجه به مطالعه پژوهش های انجام شده نشان داده است که تمایز یافتگی نقش اساسی در رشد و تکامل روابط رضایت بخش زوجین براساس ساختار شخصیتی و سبک های دلبستگی دارد. براساس مطالعات صورت گرفته نتایج نشان داده است که نوع ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی هر یک از زوجین در شکل گیری روابط زوجی ناکارآمد تاثیرگذار می باشد و زوجینی که از لحاظ ساختار شخصیت بایکدیگر هماهنگی ندارند گرایش به طلاق عاطفی و عدم صمیمیت زناشویی در آنها بالا می باشد. در تبیین یافته ها می توان چنین عنوان داشت که طلاق عاطفی بیانگر رابطه زناشویی روبه زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد دارد، اگرچه این مسئله کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین بر اساس نتایج، تمایز یافتگی پایین و وجود پیوندهای عاطفی شدید بین هر یک از

بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت روابط زناشویی رضایتبخش و استحکام پیوند زناشویی می‌تواند اثرات قابل ملاحظه‌ای را در عملکرد روابط زوجین نشان دهد، بر همین اساس این پژوهش می‌تواند اطلاعات مناسبی برای زوج‌ها جهت غنی‌سازی روابط زناشویی و کاهش تعارض‌های زناشویی و از طرفی کنترل هیجانات در جهت روابط زوجین در خصوص برآورده نشدن نوع نیازهایشان ارتقاء دهد. با استفاده از دستاوردهای تحقیقات پیرامون رضایت زناشویی، سلامت روانی، ویژگی‌های شخصیتی و رضایت جنسی درمانگران را سوق می‌دهند به جستجوی راهکارهایی برای ایجاد تغییرات در نوع شناخت و افکار و عملکردها و عواطف و هیجانات زوجین تا از این طریق باعث سلامت روان و بهبود و استحکام پیوند و روابط زوجین شوند. در میان عوامل فردی یکی از مهمترین پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی و روانی زوجین می‌باشد در تبیین یافته‌ها می‌توان چنین عنوان داشت که شخصیت هر یک از زوجین، فراگیرترین مفهوم روان‌شناختی است که بر تمام کارکردهای آنان در تعامل با یکدیگر تاثیر می‌گذارد. بر این اساس ویژگی‌های شخصیتی از مولفه‌های اثرگذار بر نوع روابط زوجین، تعاملات آنان با یکدیگر، رضایت زناشویی می‌باشد (۱۰).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین عنوان کرد که عوامل مهمی در سالهای اخیر با طلاق عاطفی زوجین تاثیرگذار بوده است که لازم است به آن‌ها توجه لازم مبذول شود زیرا که وجود بعضی از عوامل مانند سبک‌های دل‌بستگی هر یک از زوجین می‌تواند بر عدم رضایت زناشویی تاثیر گذار باشد، تجارب اولیه‌ی هر یک از زوجین با والدین و یا نوع رابطه‌ی هیجانی فرد با والدین خود در دوران کودکی از جمله این عوامل در بروز طلاق عاطفی در روابط زوجین به شمار می‌آید. برخی از پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه تجارب اولیه‌ی فرد در دوران کودکی میتواند وی را در بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد. نظریه سبک دل‌بستگی، بر روابط اولیه در محیط خانواده تاکید کرده و آن را بر روابط بعدی موثر می‌داند. آنها سبک‌های دل‌بستگی را به عنوان عوامل پایدار تلقی کرده و پیشنهاد می‌کنند که چگونه خانواده‌ی مبدا شخص می‌تواند بر روابط زناشویی اثر بگذارد. مطالعات مبتنی بر آسیب‌شناسی تحولی نیز رابطه‌ی بین تجارب منفی اولیه‌ی خانوادگی و مشکلات افراد بزرگسال در انجام تکالیف تحولی و مشکلات روانشناختی و شبکه‌های معیوب زناشویی را مورد تاکید قرار می‌دهند. بالبی بر این عقیده بود که که نظریه‌ی دل‌بستگی تنها یک نظریه‌ی تحول کودکی نیست، بلکه نظریه‌ی تحول در فراخانای زندگی نیز می‌باشد. بالبی اظهار می‌دارد که دل‌بستگی، پیوند هیجانی پایدار بین دو فرد می‌باشد به طوری که یکی از دو طرف کوشش می‌کند نزدیکی و مجاورت با موضوع دل‌بستگی را حفظ کرده و به گونه‌ای عمل کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می‌یابد. بالبی بر این باور است که این گره‌های هیجانی متقابل که به نزدیکی مادر و کودک منجر می‌شود، نخستین تجلی‌های دل‌بستگی پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دل‌بستگی محسوب می‌شود. دل‌بستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل

زندگی است. بر همین اساس الگوهای فعال درونی از چهره‌ی دل‌بستگی یعنی باورها، انتظارات و احساسهای فرد در مورد حساسیت و پاسخ‌دهندگی چهره‌ی دل‌بستگی و شامل ارزش‌های شایستگی‌هایی می‌شود که فرد برای خود در دریافت توجه و محبت از دیگران قایل می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کیفیت روابط مادر-کودک در دوران کودکی در تحول الگوهای فعال درونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و روابط نزدیک و صمیمانه در بزرگسالی نیز تحت تاثیر همین الگوهای فعال درونی قرار می‌گیرند. مطالعات مامی و عسگری بیانگر این نکته است که آزمودنی‌های تمایز یافته دارای سبک دل‌بستگی ایمن در زمینه مشکلات زناشویی، مشکلات بین شخصی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به آزمودنی‌هایی که کمتر تمایز یافته‌اند و دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا می‌باشند، برخوردارند. بالبی بر پایه نظریه دل‌بستگی معتقد است افرادی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند، روشن است که در زندگی مشترک نیز افرادی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند، از این رابطه بیشتر رضایت دارند و تعهد بیشتری هم نشان می‌دهند. آنان به شریک زندگی‌شان اعتماد می‌کنند و از زندگی لذت بیشتری می‌برند. کسانی که سبک دل‌بستگی اجتنابی را دارند، ممکن است در رابطه ازدواج هم، دل‌بستگی و علاقه محکم و شدیدی نداشته باشند. از این رو شاید هنگام قطع رابطه کمتر ناراحت شوند اما از رابطه موجود هم زیاد لذت نمی‌برند و زندگی برایشان شیرین و رضایت‌بخش نیست. در افرادی که دارای سبک دل‌بستگی، مضطربانه می‌باشند، حتی پس از برقراری رابطه صمیمانه، احساس ناامنی می‌کند و شاید نسبت به رابطه‌های دیگر حسادت کند. این افراد، در زندگی مشترک، همیشه نگران هستند که آیا شریک زندگی‌شان او را واقعاً دوست دارد یا نه. بر همین اساس هر سبکی از دل‌بستگی، در حقیقت بر معیارهای شخصی زوجین اثر می‌گذارد و آن‌ها نیز بر اساس همین سبک دل‌بستگی، نسبت به خودشان و شریک زندگی‌شان، قضاوت می‌کنند و رضایت یا عدم رضایت از زندگی مشترک را به آن برمی‌گردانند. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان نتیجه گرفت که افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن دارای تعهد شخصی بالایی نسبت به همسر خود و ازدواجشان باشند و انعطاف‌پذیری هیجانی و آرامش به‌دست‌آمده از خود شفقتی باعث ارائه پاسخ‌های سازنده در مقابل تعارضات زندگی می‌شود که بازده آن بهبود روابط زوجین، تعهد و صمیمیت است. همچنین کسانی که دارای تحمل پریشانی بیشتر با مشکلات و مسائل زندگی زناشویی کنار می‌آیند و در نتیجه سطح تعهد زناشویی در آن‌ها بالاتر است.

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده می‌توان بیان داشت: طلاق عاطفی می‌تواند تحت تاثیر عدم تمایز یافتگی، ساختار شخصیت نابهنجار و عدم سبک دل‌بستگی ایمن قرار گیرد، تلاش بمنظور اینکه زوجین تا چه حد بتوانند بمنظور غنی‌سازی روابط و کاهش تعارض‌های زناشویی بحران‌ها را از سر بگذرانند و نیازهایشان را تامین سازد، شناخت ساختار شخصیت و آگاهی از انواع جنبه‌های شخصیتی و از طرفی ایجاد تمایز یافتگی خودبه‌خود زوجین کمک می‌کند تا بتوانند به بازسازی جنبه‌های شناختی خود در مقابل احساسات، هیجانات و رفتارها و کاهش نشانه‌های اضطراب

Relationship between Depression and Marital Satisfaction. *The Caspian Sea Journal*, Volume 10, Issue 1,, 167-172.

5. Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. Ny. London. JasonAnderson.

6. Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26 (3), 337-357.

7. Corey, G. (2017). *Theory and Practice of counseling and sychotherapy*. Brooks, Cole Publishing company.

8. Masarik, A. S. Conger, R. D. (2017). Stress and child development: A review of the family stress model. *Current Opinion in Psychology*, 13, 85-90.

9. Birshak., Behrooz (1399). *Humanization in Family Psychology*. Tehran: Roshd Publications.

10. Ehrenberg MF, Robertson M, Pringle J. (2012). Attachment style and marital commitment in the context of remarriage. *Journal of Divorce & Remarriage*. 2012; 53 (3): 204-19.

11. Jokar Kamalabadi, Mahnaz. (2012). Comparison of the effect of behavioral-polemical couple therapy and emotional couple therapy on the quality of the dimensions of marital relationship, mental health and symptoms of borderline personality disorder in couples with borderline personality disorder in Shiraz. School of Psychology. University of Esfahan.

12. Rajabi, Ghulam Reza; Mousaviannejad, Khalil; Taghipour, Manouchehr; (1393). Determining the relationship between attachment styles and emotional intelligence with marital satisfaction and marital conflict of married female primary school teachers in Ahvaz. *Quarterly Journal of Applied Consulting*. number 7 . 49 to 66.

در رابطه زوجی بپردازند. وجود سبک دلبستگی ایمن در تعاملات و روابط زناشویی به زوج ها کمک می کند تا بتوانند به راحتی و آرامش بدون استرس های زندگی بتوانند به بکدیگر اعتماد نمایند و با آرامش بتوانند تعارضات و تنش ایجاد شده در رابطه را حل نمایند و رابطه کارآمدی را در زندگی زناشویی خود ایجاد سازند. در تعمیم یافته های این پژوهش باید متذکر شد که داده های این پژوهش در یک مقطع زمانی خاص به دست و جامعه مورد پژوهش و نیز حجم نمونه یکی از محدودیت های این پژوهش است. همچنین، برای سنجش متغیرها روش خودسنجی به کار گرفته شد و از پرسشنامه برای جمع آوری داده های مورد نظر استفاده گردید. علاوه بر این، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش ممکن است تحت تأثیر متغیرهای شناختی، راهبردهای مقابله ای، باورهای مذهبی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و نوع ساختار خانواده و از این دست باشد که از محدودیتهای این پژوهش به حساب می آید. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، از آنجا که ازدواج و انتخاب همسر یکی از تصمیمات مهم زندگی محسوب می شود و با توجه به نقش بیش بینی کنندگی طلاق عاطفی براساس تمایز یافتگی با میانجیگری ساختار شخصیت و سبک های دلبستگی، از این رو پیشنهاد می شود بمنظور افزایش ایجاد بسترهای ارتباطی مناسب در زمینه کمک به بهبودی روابط زوجین امکانات مناسب جهت آموزشهای لازم در خصوص ارائه مهارت های ارتباطی و مهارتهای حل مسئله و تنظیم هیجانات و آموزش های مختلف زوج درمانی، در خصوص ارتقاء سطح الگوهای ارتباطی زوجی و کیفیت زندگی در جهت بهبود سلامت روان زوجین بمنظور مواجهه با نوع تعارضات زناشویی ارائه شود تا از این طریق بتوانند میزان صمیمیت زناشویی در روابط زوج ها را ارتقاء بخشید.

References

1. Edlati, A. Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction; *Journal of American Science*, 6 (4), 132-137
2. Nadafi, Namdar; (1398). The effect of schema therapy on emotional divorce of dissatisfied couples in Tehran. *Quarterly Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*. Summer 1398 - No. 43. 107 to 116.
3. Motataianu, I. R. (2015). The relationship between anger and emotional synchronization in children from divorced families. *Social and Behavioral Science*, 203, 158-163. .
4. Afsari, Maryam., Foroutan, Mostafa., Karamad,., Jalal., Salehizadeh, Maryam & Kashani, Parisa. (2016). Investigation the Mediating Role of Differentiation of Self in

13. Mazaheri, Mansoura. (1397). The role of adult attachment in marriage behavior. *Journal of Psychology*. forth year. Number 3.
14. Etemadi, excuse me. Nawabi Nejad, Glory. Ahmadi, Seyed Ahmad Farzad, Waliullah (1385). The effect of couple therapy by imagotherapy on increasing intimacy of couples in Isfahan province. *Quarterly Journal of Scientific-Research Association*. Volume 5. Number 19. Fall 2006.
15. Heidari, Arman., And Dehghani, Hamideh. (1395). Qualitative analysis of the employment consequences of married women and its modifying contexts. *Quarterly Journal of Sociology of Social Institutions*; 3 (8); 95-73.
16. McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in Human Behavior*. 66, 88-95.
17. Rahmati, Bita. Farahbakhsh, Kiomars. Motamedi, Abdullah. Borjali, Ahmad. (1399). The pattern of Mayan transformation in successful couples based on grounded theory. *Consulting Research*. Volume 19, Number 75.
18. Faleh, A., Bardan, Z., Danaei Koosha, M., Amani, O., Moghaddam Far, N. (2019) The relationship between self-differentiation and early maladaptive schemas with marital satisfaction of women seeking divorce. *Nursing research*; 14 (6): 26-34.
19. Sloan, David. Buckham, Robert Lee, Youngsu. (2017). Exploring differentiation of self and organizational commitment. *Journal of Managerial Psychology*, vol. 32 no. 2.